مرده ریگ سنت روشنفکری

اشاره:
مکتوب حاضر، متن سخنرانی دکتر مرتضی مردیهاست. نشستی که به همت انجمن علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شده بود. صورت مکتوب این سخنرانی حاصل زحمت دست اندرکاران این انجمن بوده است که با اندکی تلخیص در اختیار خوانندگان قرار می گیرد.
گروه اندیشه

آنچه من اسم آن را سنت روشنفکری می گذارم جریانی است که حدود دو یا سه قرن است که در دنیا قوام گرفته، فعال و تأثیرگذار بوده است. در این معنا، «روشنفکری» جریانی است متأثر از فلسفه روشنگری که مبارزه فرهنگی و اجتماعی و نقد قدرت و سنت را محور حرکت خود قرار می دهد و به تدریج با گرایش چپ به سمت ارزش هایی که مهمترین آنها نفی سلطه و به منظور برقراری عدالت است، پیش می رود.

تصورم این است که بسیاری از افراد در کشورها و دوره های مختلف به این معنا «روشنفکر» نامیده می شده اند، علاوه بر پاره ای اوصاف چون اهل قلم، اهل مطالعه، دارای دغدغه انسانی و اجتماعی بودن، به طور جدی و بنیادی به عنصر حرکت و فعالیت اجتماعی و مبارزه سیاسی در نفی سلطه وابسته بوده است، و چنان که دلیل خواهم آورد، بزرگترین اشتباه و آفت آن هم همین تلاش رمانتیک و ناعقلانی در نفی هرگونه سلطه خصوصاً سلطه سیاسی بوده است. نیز چنان که دلیل خواهم آورد، آنچه در اواخر دهه پنجاه در ایران صورت گرفت، ریشه در همین اشتباه داشته است.

اما برای رسیدن به این موضوع ناگزیر از تمهید پاره ای مقدمات هستیم. دوفیلسوف سیاسی هستند که شما آنها را می شناسید: هابز و لاک و هر دو بحث معروفی دارند درباره وضع طبیعی، که به گمان من عمده اختلاف نظر آنها در فلسفه سیاسی از تصوری که آنها نسبت به وضع طبیعی دارند، بر می خیزد. وضع طبیعی یعنی وضع انسان ها در زمانی که هنوز حکومتی در کار نیست. طبیعی یعنی صناعت حاکمیت سیاسی هنوز برقرار نشده است و جامعه از سامان و سازمان سلسله مراتبی برخوردار نیست. تفاوت نظر این دو فیلسوف درباره وضع طبیعی، که دقیقاً مبنای حرکت آنها به سمت تعریف نوع حاکمیت است، این است که در نظر هابز، انسان در وضع طبیعی مثل فروشنده ای است که جنسی مانده و فاقد متقاضی و در حال اضمحلال دارد، به محض اینکه خواستگاری برای آن پیدا شود، بدون درنگ سعی در واگذاری آن دارد. این جنس، «آزادی طبیعی» و آن خواستگار، «حاکمیت سیاسی» و بهای پرداختی، «امنیت» است.

در هر شرایطی، هر کسی که بتواند این پرچم را بلند کند شما باید تسلیم آن شوید. از نظر هابز انسان در وضع طبیعی دچار یک وضعیت به سختی قابل تحمل است. به دلیل رقابت شدید و غالباً خشن انسان ها برای دستیابی به مطلوب های کمیاب، وضع طبیعی می تواند به شدت بحرانی و کاملاً خطرناک باشد. بنابراین، در چنین وضعیتی، هر کسی و با هر شرایطی که بتواند حکومت را در اختیار بگیرد و امنیت اولیه را تأمین کند و نظمی در جامعه برقرار کند، انسان ها باید آن را بپذیرند و نباید مخالفتی داشته باشند.

اما در نظر لاک، انسان ها در وضع طبیعی همچون مثل صاحب جنسی هستند که نه در حال فاسد شدن است و نه ضرورتی برای خلاصی از آن وجود دارد؛ نه بحرانی ایجاد می کند و نه نگهداری آن خطرناک است. انسان ها در غیاب حاکمیت سیاسی تقریباً بدون مشکل حادی زندگی می کنند. روشن است که در چنین شرایطی آزادی طبیعی به حکومتی فروخته می شود که مقدار زیادی خوشبختی، سعادت و ... برای انسان ها به همراه آورد، نه فقط یک امنیت ساده. از نظر هابز انسان ها چون دچار اضطرار برای خروج از این وضعیت هستند، به هر حکومتی تن می دهند ولو اینکه یک حکومت مستبد و مطلقه باشد.

برای لاک حکومت باید خیلی چیزها داشته باشد، و علاوه بر تضمین امنیت و مالکیت، باید پیام آور اموری چون دموکراسی، بیطرفی، احترام، عدالت، رفاه باشد تا مردم حاضر به پذیرش آن گردند و آزادی طبیعی خود را به او تسلیم کنند.

این دو چشم انداز از وضع طبیعی براساس دو نوع انسان شناسی استوار است: در انسان شناسی هابز، انسانها موجوداتی خواهشگر هستند که از عقل، اولاً و با لذات، به عنوان ابزار بهینه سازی همین خواهشگری ـ در رأس آن صیانت ذات ـ استفاده می کنند. دو وصف مهم آنها یکی «طمع» است و دیگری «ترس». بر اثر همین دو صفت ـ میل به دست آوردن مطلوبات خود و ترس نسبت به از دست دادن آنها ـ به مسابقه قدرت دست می برند. ترس و صفی است که به یمن آن انسان تن به تبعیت از یک قدرت غالب و قاهر می دهد، و، این گونه، نظم اجتماعی برقرار می شود. اما در انسان شناسی لاک، انسان موجودی عاقل است و مهم ترین وصف او تربیت پذیری او است که به حسب این وصف می تواند آن اوصافی را که هابز مطرح می کند، نداشته باشد.

در اینجا به نقطه عطف بحث می رسیم. اینکه شما دریافتتان از انسان و انسانها چگونه باشد، تأثیر بسیار مهمی دارد که در بحث سیاست و سلطه چه موضع گیری ای داشته باشید؟ در تعریف لاک انسان همان چیزی است که هابز می گوید، ولی براساس تربیت. یعنی انسان ها مستقیم یا غیرمستقیم به واسطه حاکمیت سیاسی چنان تربیت می شوند که طماع، خودخواه و ... هستند، نه به خودی خود و به صورت طبیعی. لاک نظریه ای دارد که سیاسی نیست ولی تأثیر بسیاری در فلسفه روشنگری و جنبش روشنفکری دارد و آن نظریه معروف «لوح سفید» است. لاک در این نظریه اپیستمولوژیک می گوید که انسان دانش پیشینی ندارد. ادعایی که می تواند غلط نباشد. ولی به تدریج از این نظریه که انسان «دانش پیشینی» ندارد و ذهن انسان مثل لوح نانوشته است، یک برداشت غلط صورت گرفت مبنی بر این که انسان «گرایش پیشینی» هم ندارد و به این ترتیب، نوعی انسان شناسی ایجاد و تقویت شد که مدعی بود انسان ها دارای فطرتی پاک هستند. یعنی به خودی خود اقتضای هیچ عملی، یا حتی (برحسب معنای دیگر پاک) هیچ عمل بدی را ندارند. درحالی که حتی اگر بخش عقل نظری ذهن انسان نانوشته باشد ولی بخش عقل عملی آن چنین نیست. انسان با گرایش های خاص و بسیار قوی به دنیا می آید که مشخص ترین آن امیال غریزی است و این خواهشگری غریزی انسان را به سمت افکار و ایده های خاصی می کشاند؛ ایده هایی که در حکم ابزارهایی جهت رسیدن بیشتر و بهتر به آن امیال است.

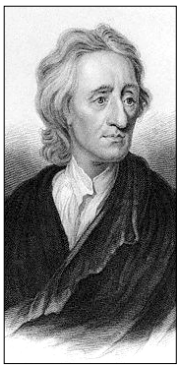

متعاقب این مغالطه، تصویری از انسانها رایج شد که مطابق آن، انسانها خود به خود عیبی ندارند. بنابر ایده مذکور، تصویری که هابز از انسان ارائه می کند، انسان بعد از اجتماع، انسان خارج شده از وضع طبیعی است، یعنی انسانها بد نبوده اند، بد شده اند. انسانها پاک و لااقتضا به دنیا می آیند، سیستم آنها را بد می کند. تصور کنید که این ایده چقدر می تواند از جریان روشنفکری دلربایی کند. مردم پاکند، حکومتها فاسدند. سلطه سیاسی جامعه را فاسد می کند. با این مبنا، شغل روشنفکران روبه راه می شود، آگاهی به مردم، مبارزه با حکومت، نقد سنت و قدرت. بدون فکر به این که پس طبیعت انسان چه می شود.

بارها دیده ام وقتی چنین سخنانی مطرح می شود، حمله های شدیداللحنی از طرف مخالفان صورت می گیرد که دو مدعا در بر دارد: یکی این که این سخنان محافظه کارانه است؛ دیگر این که تعابیری مثل «طبیعت انسان» تعابیری مابعدالطبیعی و ذات گرا و لذا، مبهم و بی ارزش است، اما این ایراد مدعای اول، این جمله که این سخنان محافظه کارانه است، دقیقاً یعنی چه؟ یعنی این صحبتها راه تغییر را بر روی ما می بندد، اوضاع را همان طور که هست، پذیرفتنی جلوه می دهد. فرض کنیم چنین باشد و تا حدودی هم البته هست. اما از این «غلط بودن» آن استنتاج نمی شود. به استناد یک تالی فاسد عملی و یک پیامد منفور (تنگ شدن یا بسته شدن راه تغییر) نمی توان به نادرستی مقدمه رأی داد.

اعتراض دوم مدعی است که مدعای ما ذات انگار، متافیزیکی و بنا بر این غیر قابل اعتنا است. از قضا، این اتفاقی نیست که ذات انگار بودن در فرهنگ روشنفکری به اتهامی تبدیل شد که به صرف انتساب آن به یک ایده (یا یک اندیشمند) بی مایه بودن آن (یا او) را اثبات می کرد. این درواقع نوعی معرفی به مطلوب است. فرزندان معنوی کسی که در پی تغییر جهان بود، نه تفسیر آن، ذات انگاری را نه به دلیل نادرستی آن، بلکه به این سبب که مزاحم ایده آل تغییر و تغییر ایده آل بود، انکار کردند. البته ذات انگاری به معنای این که هر موجودی یک ماهیت ثابت «یک بار برای همیشه تعریف شده» دارد، نه درست است نه حتی در میان متافیزیستها هم حامیان زیادی دارد، ولی نفی این روایت از ذات انگاری البته به این معنا نیست که اشیا هیچ ماهیتی ندارند و هر چیزی به هر چیزی قابل تبدیل است. اوصافی از انسان که در این بحث اهمیت اساسی دارد، از قبیل میل شدید به صیانت نفس، به رفع نیازهای فیزیولوژیک و به تبع آن، طمع و ترس جزو ذات انسان است، به این معنا که در همه انسانها موجود است، در اکثریت قریب به اتفاق آنان، دامنه واریانس محدودی دارد و میزان تغییراتی هم که از طریق تربیت ـ اعم از مثبت یا منفی ـ می تواند روی آن اعمال شود، نسبت به شدت میل، اندک و البته بسیار تدریجی و همراه با هزینه است.

چرا روشنفکران که علی القاعده باید واقع بین تر و کم تعصب تر باشند، اصرار داشته اند که انسانها خمیری بی شکل و مطلقاً قابل تربیت اند؟ چرا کتاب لاک، انجیل روشنفکری شد؟ اگر در میان جریانهای روشنفکری تحول خواه این ایده انسان شناختی به وفور پذیرفته شد، به خاطر این بود که این تئوری زمینه تغییرات به آنها می داد و آنها از این حیث احساس توانایی در تغییر و ساختن می کردند. انسان شناسی لاک بهترین زمینه برای این باور روشنفکران بود که انسانها به بهترین وجه تربیت پذیرند، این سوژه ها، با استعداد تغییر تا بی نهایت، در دست شما هستند، برای اینکه یک جامعه بهشتی از آنها بسازید. اگر انسانهایی را می بینید که همه یا غالباً طماع، شهوت ران، زورگو، ترسو و ... هستند، به خودی خود این طور نیستند، بلکه با وجود اینکه دارای لوحی سفید (به معنای فطرت پاک، یا ذات لااقتضا) هستند، ساخت سیاسی آنها را به این سمت می کشاند. سلطه و منشأ همه سلطه سیاسی حاکمیت، سرمنشأ همه این انحرافها است. روسو در «اعترافات» خود به صراحت سیاست و حاکمیت سیاسی را منشأ تمام مشکلات اجتماعی معرفی می کند، ایده ای که ایمان روشنفکری شد. باعث شد که تصوری در ذهن ایجاد گردد، مبنی بر اینکه انسانها موجوداتی هستند علی الاصول پاک و کاملاً تربیت پذیر که سلطه سیاسی در جهت مطامع خود روشهایی را در پیش می گیرد که اینها را به موجوداتی در حال رقابت خشن، خودخواهی، گرگ صفتی و ... تبدیل می کند. نتیجه اینکه سلطه سیاسی چیز بدی است. این عملاً کشیده شد به آنارشیسم، یک آنارشیسم مضمر، مخفی که مفاد پنهان آن، این بود: دولت خوب، دولتی است که نباشد، هر نوع دولتی! هرچند روشنفکران در ظاهر برای برقراری دولت خوب تلاش می کردند، ولی دشت و عمق بداندیشی و بدگویی آنان در باب حکومتها، حکایت از این داشت که دعوا بیشتر بر سر حاکمیت است تا حکومت. در روایت روسویی، دولت مطلوب به یک آیینه برای اراده عمومی فروکاسته شد و در روایت مارکسیستی اعتقاد بر این بود که روزی دولت به کلی محو می شود. البته نمی گفتند باید برگشت به وضع طبیعی. حتی روسو که از آن چنین برداشت می شد، با نقد دیگر فیلسوفان روشنگری مواجه شد. ولتر در نقدی تند نوشت که با تحلیل روسو لابد ما باید به جنگل برگردیم. به جنگل بازنگشتند، ولی تفکری در میان آنها رایج شد که شاید خسارت آن خیلی کمتر از خسارت رفتن به جنگل نبود و آن، جریانی بود که به نام «روشنفکری» شکل گرفت که نه مثل یک حزب بود، نه اساسنامه مصرحی داشت، یک جریان در حال تموج بود، ولی این مرام در آن مسلم گرفته شد که «مردم بد» و «حکومت خوب» نرمهای تناقض آمیز هستند. لازمه سخن اینها این بود: دادن تمام حق به مردم و تمام ناحق به حاکمیت. نتیجه این، اراده یک آسیب شناسی رومانتیک از مشکلات اقتصادی و اجتماعی و ارائه این فرمول بود که اگر سلطه حکومت را بردارید، همه چیز درست می شود و حاصل این جریان این بود که در طول دو قرن گذشته شاید مهمترین فاکتور اثرگذار در تحولات سیاسی در سراسر جهان از اروپا تا آمریکای جنوبی، از آفریقا تا آسیا چیزی بود به نام انتقاد بی امان، مبارزه سیاسی، شورش و تلاش برای برپایی انقلاب، مبارزه نکردن سیاسی ـ اجتماعی مساوی بود با مردن. به تعبیر شریعتی، اگر در صحنه نیستی، هر کجا که خواهی باش، علم، جهل، نماز، شراب و ... فرقی نمی کند، چرا که همه اینها ابزار فریب حکومتها است. به عقیده من، این تفکر پشتوانه اصلی بسیاری از تکاپوهای غالباً پرهزینه و کم فایده سیاسی در طول دو، سه قرن گذشته بوده است؛ خصوصاً در میانه قرن نوزده که فعالیتهای انقلابی در اروپا گسترش یافت و در ربع سوم قرن بیست که همین فعالیتها در جهان سوم گسترش یافت. چیزی که بحرانهای بسیار به بار آورد و نتایج منفی فراوانی داشت.

ادامه دارد

آگهی شناسائی پیمانکار

شرکت مهندسی خدمات صنعتی ایران خودرو
(شرکت پارکهای صنعتی سابق)

شماره ۱۳۳/ الف /۸۳

شرکت مهندسی خدمات صنعتی ایران خودرو (شرکت پارکهای صنعتی سابق) در نظر دارد انجام موضوعات کاری زیر را به شرکتهای واجد شرایط واگذار نماید:

الف- موضوع کار

انجام بخشی از امور خدماتی، نظافتی و مهمانداری قسمتهای ستادی شرکت ایران خودرو

ب- شرایط متقاضی

۱- داشتن شخصیت حقوقی
۲- داشتن امکانات و تجربه کافی
۳- داشتن سابقه همکاری با شرکتها یا سازمانهای بزرگ در زمینه‌های مرتبط با موضوعات فوق
۴- داشتن توانائی مالی لازم و کافی
۵- توانائی انجام کار در سطح وسیع

از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت می‌شود از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۰ روز رزومه خود را باقید شماره آگهی ، بهمراه ۱- تصویر اساسنامه شرکت و آگهی تغییرات ۲- تصویر سوابق کاری شرکت و پرسنل همراه با تاییدیه‌های مربوطه را برای تعیین صلاحیت به نشانی کیلومتر ۱۴ آزاد راه تهران - کرج ، شهرک کاج (پیکانشهر سابق)، ساختمان سمند ، مدیریت بازرگانی ، اداره کل قراردادها ارسال نمایند.

بدیهی است ارائه مدارک فوق‌الذکر هیچگونه حقی را برای شرکت در مناقصه برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد و کارفرما در قبول یا رد آن مختار است ضمن آنکه پس از تایید صلاحیت شرکتهای متقاضی توسط کارفرما از متقاضیان جهت همکاری دعوت بعمل خواهد آمد.

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با تلفن ۴۸۹۰۵۹۸۸ (اداره کل قراردادها) تماس حاصل نمایند.

روابط عمومی شرکت مهندسی خدمات صنعتی ایران خودرو
(شرکت پارکهای صنعتی ایران خودرو سابق)

بسمه تعالی

شرکت فولاد خوزستان

آگهی مناقصه
شماره ۵۲۲۱۴۹۴۶

این شرکت در نظر دارد، **کارشناسی، برداشت میدانی و جانمایی** جاده های داخلی و اطراف شرکت و منازل سازمانی خود را از طریق مناقصه **به مدت سه ماه** به یکی از شرکتهایی که دارای امکانات کافی، منابع انسانی مناسب، سوابق و تجارب اجرایی مرتبط باشند واگذار نماید.

از کلیه داوطلبان شرکت در مناقصه دعوت می شود ظرف مدت **۱۰ روز از** تاریخ انتشار این آگهی پس از کسب اطلاعات لازم با ارائه اصل رسید واریز مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال (غیر قابل استرداد) به حساب جاری ۱۲ بانک صادرات شعبه مجتمع فولاد اهواز با کد ۳۸۸۲ و یا به حساب جاری ۱۵۸۸ بانک ملی شعبه مجتمع فولاد اهواز با کد ۶۵۳۲ در ساعات اداری برای دریافت اسناد مناقصه به نشانی اهواز، کیلومتر ۱۰ جاده اهواز- بندر امام خمینی (ره) شرکت فولاد خوزستان، واحد خرید خدمات، قراردادهای خدمات فنی (تلفن ۴۲۲۸-۹۳ و دورنگار ۲۲۷۹۱۶۲-۰۶۱۱) مراجعه نمایند.

روابط عمومی شرکت فولاد خوزستان

۱۰۰

وزارت نیرو

شرکت آب و فاضلاب شیراز

آگهی مناقصه عمومی
شماره ۲۷۰/۲۳۰۰۱
مورخ ۸۳/۸/۲۵

شرکت آب و فاضلاب شیراز در نظر دارد، از طریق برگزاری مناقصه عمومی نسبت به خرید شیر فشارشکن و اتصالات و صافی چدنی و شیر فلکه فلنجدار با مشخصات زیر اقدام نماید.

۱- محل تحویل: انبار مرکزی و یا سایر انبارهای شرکت در سطح شهر شیراز
۲- مدت تحویل: یک ماه
۳- نحوه تحویل: بتدریج در طول مدت یک ماه
۴- محل اخذ اسناد مناقصه و تسلیم پیشنهادات: اداره مرکزی اتاق شماره ۱۱، دبیرخانه شرکت
۵- برآورد اولیه: ندارد
۶- تاریخ نهایی اخذ اسناد مناقصه: ۸۳/۹/۹
۷- تاریخ نهایی قبول پیشنهادات: ۸۳/۹/۱۱
۸- شرکت در رد یا قبول پیشنهادات مختار است.
۹- حق الدرج سه نوبت آگهی (دو نوبت در روزنامه خبر جنوب و یک نوبت روزنامه ایران) به عهده برنده مناقصه می باشد.

شرکتها و فروشندگانی که مایل به شرکت در این مناقصه می باشند می توانند با اعلام آمادگی کتبی نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.

شرکت آب و فاضلاب شیراز

۱۰۰

منطقه ویژه اقتصادی بندر شهید رجایی
S.E.Z.
P.S.O.
اداره کل بنادر و کشتیرانی استان هرمزگان

آگهی مناقصه عمومی

موضوع مناقصه: تعویض آسانسورهای موجود و نصب یک دستگاه آسانسور V. I. P در ساختمان مرکزی اداره کل بنادر و کشتیرانی استان هرمزگان

۱- مهلت فروش: از مورخ ۸۳/۸/۳۰ تا ۸۳/۹/۱۰
۲- محل خرید اسناد: تهران، خیابان زرتشت غربی، خیابان سوم، شماره ۹، واحد ۲۲
۳- مهلت و محل دریافت پیشنهاد: آخرین مهلت تحویل اسناد ۸۳/۹/۱۵ و محل دریافت پیشنهاد بندر عباس، اداره کل بنادر و کشتیرانی استان هرمزگان، واحد مهندسی و عمران امور پیمان و رسیدگی (بجز ایام پنجشنبه و تعطیل) تلفن: ۵۵۶۰۰۴۶
۴- مبلغ فروش اسناد مناقصه: ۳۰۰۰۰۰ ریال به صورت نقدی قابل پرداخت در محل خرید اسناد

شرایط خاص پروژه: ۱- ارایه مدارک مربوط به انجام یک کار مشابه در سه سال اخیر و رضایتنامه از کارفرما در خصوص کار مذکور
برای کسب اطلاعات بیشتر به محل دریافت اسناد و یا سایت WWW.IRANETS.COM مراجعه نمایید.

۱۰۰

شرکت فولاد خوزستان

آگهی مناقصه
شماره ۵۲۲۱۴۹۲۸

این شرکت در نظر دارد **احداث یک باب انبار مخصوص روغن و گریس به ابعاد ۳۰×۱۵۰ مترمربع و یک اطاق سرد برای نگهداری کالای مخصوص به ابعاد ۱۰×۵ مترمربع در جوار انبار و همچنین یک دفتر کار به ابعاد ۶×۴ مترمربع خود را به مدت ۱۰ ماه** از طریق مناقصه به یکی از شرکت‌هایی که دارای امکانات کافی، منابع انسانی مناسب، سوابق و تجارب اجرایی مرتبط می‌باشند واگذار نماید.

از کلیه داوطلبان شرکت در مناقصه دعوت می‌شود ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی پس از کسب اطلاعات لازم با ارائه اصل رسید واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال (غیرقابل استرداد) به حساب جاری ۱۲ بانک صادرات شعبه مجتمع فولاد اهواز با کد ۳۸۸۲ و یا به حساب جاری ۱۵۸۸ بانک ملی شعبه مجتمع فولاد اهواز با کد ۶۵۳۲ در ساعات اداری برای دریافت اسناد مناقصه به نشانی اهواز، کیلومتر ۱۰ جاده اهواز- بندر امام خمینی (ره)، شرکت فولاد خوزستان واحد خرید خدمات، قراردادهای خدمات فنی (تلفن ۴۲۲۸-۹۳ و دورنگار ۲۲۷۹۱۶۲-۰۶۱۱) مراجعه نمایند.

برآورد حدوداً ۶/۵۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.

روابط عمومی شرکت فولاد خوزستان

۱۰۰